

حمایت از مراجع سنتی منتقد

درباره اظهارات آقای صافی گلپایگانی



محسن کدیور

۱۱ آبان ۱۴۰۰

آقای لطف الله صافی گلپایگانی (متولد ۱۲۹۷) از مراجع محترم تقلید در ملاقات اخیر محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی دو نکته مطرح کرد که از رادیو تلویزیون حکومتی منتشر نشد، اما به فضای مجازی درز پیدا کرد. ایشان اولاً از وضعیت بسیار بد اقتصادی مردم گلایه کرده خواستار تلاش بیشتر مسئولان برای رفع فوری آن شد، ثانیاً از جمهوری اسلامی خواست که با همه کشورهای دنیا ارتباط مقتدرانه داشته باشد و با رعایت مصالح ملی نگذارد بیش از این به مردم فشار وارد شود. این اظهارات در حقیقت نقد بسیار نرم سیاست خارجی ماجراجویانه جمهوری اسلامی و سیاست اقتصادی نظام موسوم به اقتصاد مقاومتی است که طراح هر دو مقام رهبری جمهوری اسلامی است و بعد از اخراج باقیمانده معتدل کارگزاران نظام اکنون با حاکمیتی کاملاً یک دست و تماماً تندرو در قطاری بدون ترمز کشور را در سرازیری سقوط با سرعت پیش می برد. ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس بعد از نظارت استصوابی و در حقیقت مهره چینی منصوبان رهبری هر دو در ضعیف ترین انتخاباتهای تاریخ جمهوری اسلامی از صندوق به درآورده شده اند. اکثریت مردم بدون کمترین تردید با سیاستهای خرد و کلان رهبری مخالفند. در غیاب احزاب و مطبوعات مستقل مرجعیت سنتی بخشی از جامعه مدنی ایران است که صدای اعتراضش بلند شده است.



مراجع تقلید از ابتدای جمهوری اسلامی متنقدترین منتقدان جمهوری اسلامی بوده اند و متناسب با نفوذ دینی و اجتماعیشان سرکوب و حذف شده اند. آقایان سیدکاظم شریعتمداری و سیدحسن طباطبایی قمی در زمان آقای خمینی، و آقایان حسینعلی منتظری و یوسف صانعی در زمان رهبری فعلی مراجع تقلیدی بودند که زبان به انتقاد گشودند و سه نفر نخست محصور شدند و نفر اول و آخر از مرجعیت ساقط شدند!

مراجع تقلید سنتی ساکن ایران اکنون به سه دسته تقسیم می شوند: دسته اول اگرچه منکر ولایت فقیه و مخالف سیاستهای جمهوری اسلامی هستند اما غیرسیاسی محسوب می شوند و ساکت هستند و مقامات سیاسی را به حضور نمی پذیرند. آقایان حسین وحید خراسانی و سید موسی شبیری زنجانی از این دسته اند. دسته دوم موافق ولایت عامه یا مطلقه فقیه هستند، با اصل نظام هم مشکلی ندارند اما با برخی سیاستهای رهبری مخالفند و به نرمی گهگاه ابراز مخالفت می کنند. آقایان لطف الله صافی گلپایگانی، سید محمدعلی دستغیب شیرازی، عبدالله جوادی آملی و اسدالله بیات زنجانی از این دسته اند. دسته سوم موافق ولایت عامه یا مطلقه فقیه هستند، از رهبر و سیاستهای کلان وی حمایت می کنند و با شدت و ضعف از مراجع حکومتی محسوب می شوند. آقایان ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی و سید محمدعلی علوی گرگانی از دسته سوم هستند.

آقای صافی گلپایگانی مسن ترین مراجع تقلید فعلی است با ۱۰۳ سال سن لذا شیخ الفقها یا شیخ المراجع محسوب می شود. ایشان داماد مرحوم آقا سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی است که بعد از درگذشت مرجع مذکور مرجع تقلید جمعی از مردم ایران خصوصا استانهای مرکزی است. آقای صافی گلپایگانی بیش از همه مراجع تقلید فعلی سابقه همکاری با جمهوری اسلامی (همگی در زمان آقای خمینی) دارد. ایشان عضو مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (همان مجلس خبرگان قانون اساسی) در سال ۱۳۵۸ و در حقیقت یکی از نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی است. علاوه بر آن فقیه دوره اول و دوم شورای نگهبان از بدو تاسیس تا سال ۱۳۶۷ است و به انتخاب اعضای شورای نگهبان از سال ۱۳۵۹ تا زمان استعفا در سال ۱۳۶۷ یعنی حدود هشت سال دبیر شورای نگهبان بوده است.

صافی گلپایگانی در زمان عضویت و دبیری شورای نگهبان باسوادترین فقیه شورای نگهبان و کاملا مستقل از حاکمیت بوده است و هیچگاه حاضر به پذیرش مصلحت اندیشی و سیاست بازی نشده است. وی در حقیقت حلقه وصل مرحوم آقای گلپایگانی با آقای خمینی و جمهوری اسلامی بود و حضور او در رأس شورای نگهبان اطمینان خاطر برای مرجعیت سنتی بود که جمهوری اسلامی منطبق با موازین شرع پیش می رود.

مطالعه کارنامه آقای صافی گلپایگانی نشان می دهد که وی اولاً فقیهی کاملاً سنتی است و هیچ نواندیشی ولو اندک را تحمل نمی کند. فتاوی محافظه کارانه او در حقوق زنان یا تحفظ او در حفظ شلاق در مجازات تعزیر نمونه ای از این گرایش اوست. ثانياً او سیاسی است یعنی حکومت اسلامی، ولایت عامه فقیه، و اجرای احکام اجتماعی اسلام را باور دارد و به همین دلیل مناصب سیاسی یادشده را پذیرفته بود و مقامات سیاسی را هم به حضور می پذیرد و آراء خود را بر زبان می آورد. ثالثاً ایشان از ابتدا مدافع حقوق اقشار فرودست جامعه در چارچوب شرع بوده و هست و اظهارت اخیرش تازگی ندارد. مکرراً به توجه به تامین حداقل کفاف مردم تاکید داشته است. رابعاً اینکه وی فشارهای کمرشکن اقتصادی مردم را ناشی از سیاست خارجی ماجراجویانه جمهوری اسلامی اعلام

کند و خواهان اصلاح روابط ایران با کلیه کشورهای جهان از موضعی مقتدرانه و حفظ مصالح ملی شود در حد اطلاع من تازگی دارد و این نشان از درایت این مرجع سال خورده دارد.

دفاع من مشخصا از این دو موضع خردمندانه و خداپسندانه است. به برخی مواضع محافظه کارانه آقای صافی انتقاد دارم. چون این دو موضع را درست می دانم از آن دفاع می کنم. نه از آن حیث که ایشان چنین گفته است، البته اینکه این مواضع حق از زبان مرجع سنتی با سوابق پیش گفته صادر شده است حائز اهمیت است. این دو موضع در حد اطلاع من موضع اکثریت مردم ایران است و اگر امکان همه پرسی ملی بود اطمینان دارم اکثریت به آن دو رأی می دادند. علاوه بر برخورداری این دو موضع از پشتیبانی اکثریت مردم ایران به لحاظ منافع ملی و علوم اقتصاد و سیاست این دو موضع درست و منطبق بر واقع است. اما اینکه مرجعی سنتی به این تصمیم برسد که به رئیس مجلس تذکر دهد به این دو امر عمل کند و بعد این توصیه های مشفقانه از رسانه های حکومتی پخش نمی شود و بالاتر از آن دو رسانه حکومتی تندرو یکی رسانه اینترنتی جبهه بدنام پایداری (متعلق به شاگردان مصباح یزدی دارای فراکسیون در مجلس و دولت رئیسی) و دیگری روزنامه توپخانه نزدیک به دفتر رهبری به شدت به مرجع تقلید سالخورده به عنوان فریب خورده دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی بتازند اینها تازگی دارد.

به یاد داریم که پخش عکس ملاقات آقای شبیری زنجانی با سید محمد خاتمی منجر به برخورد حاد محمد یزدی دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شد. (بنگرید به [پرده هفتم حاکمیت برای مرجعیت مستقل](#): مروری بر نقش نیابتی محمد یزدی در سرکوب استقلال حوزه علمیه قم، ۶ آبان ۱۳۹۷) اکنون او از دنیا رفته است و هیچ روحانی در سطح او و مصباح یزدی هم باقی نمانده اند و تعرض و هتاک به بازماندگان آنها در جبهه پایداری و امثال نماینده ولی فقیه در مؤسسه کیهان رسیده است. در حقیقت اقلیتی که حاکمیت (رهبری، سپاه و هر سه قوه) را در دست دارد با مخالفت اکثریت مردم مواجه است. نکته تازه این است که مرجعیت سنتی با انتقادی بسیار نرم از دو سیاست اصلی حاکمیت در اقتصاد و سیاست خارجی از مردم حمایت کرده است.

صافی گلپایگانی در حوزه علمیه قم تنها نیست. اکثریت حوزه ولو خاموش با او همراه است. در میان مراجع اکثریت مراجع با او همدل هستند. اینکه برخی امثال جوادی آملی به ملاقات وی رفته اند و برخی مانند بیات زنجانی و نیز سید مصطفی محقق داماد یا سیدمحمد جواد علوی بروجردی (نوه دختری مرحوم آقای بروجردی) یا مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه کتبا یا شفاه از وی حمایت کرده اند نشانه بیدار بودن حوزه در این حد است.



البته از حق نگذریم خانه از پای بست ویران است و انتقادات آقای صافی گلپایگانی بسیار حداقلی است، اما همین انتقادات حداقلی هم را باید قدرشناخت. ای کاش دیگر مراجع محترم تقلید هم حداقل در همین حد از حقوق مردم دفاع کنند و اجازه ندهند اقلیت حاکم بیش از این کشور را با سیاستهای نابخردانه خود به تاراج دهند. اکنون آقای خامنه ای باید بداند حتی صدای انتقاد سنتی امثال آقای صافی گلپایگانی هم بلند شده است. جمهوری اسلامی به عنوان حکومت دینی که مدعی احترام مراجع تقلید است تنها مراجع تقلیدی را محترم می شمارد که مداح رهبری و سیاستهای او باشند. اگر مرجع تقلیدی زبان به انتقاد بسیار حداقلی و نرم ولو در

ملاقات با سران قوا گشود رجاله های رجا نیوز و هتاکان کیهان توپخانه به جانس می افتند، و اگر بر مواضع انتقادی خود اصرار کند و ادامه دهد بر او آن می رود که بر شریعتمداری و منتظری و صانعی رفت. من با مجازات رجانیوز یا کیهان موافق نیستم. باید رسانه های داخل کشور در انتقاد از رهبری و خصوصا نقد سیاستهای خلاف منافع ملی او آزاد باشند.

بسیار روشن و شفاف، جمهوری اسلامی هیچ انتقادی ولو بسار نرم و حداقلی را حتی از زبان مراجع تقلید امتحان داده ای همانند صافی گلپایگانی تحمل نمی کند و مرجع منتقد را لجن مال می کند. نظامی که انتقاد را بر نمی تابد و نهادهای نظارتی از قبیل مجلس خبرگان و مجلس را به مجالس تشریفاتی و تزئینی تبدیل کرده و احزاب سیاسی و روزنامه های مستقل را تا توانسته تعطیل و متوقف کرده و هر نفس کشی را به زندان انداخته اگر خودش را عوض نکند دیر یا زود محکوم به سقوط است.

بخشی از نکات فوق در مصاحبه با رعنا رحیم پور در برنامه شصت دقیقه بی بی سی فارسی مورخ

۱۰ آبان ۱۴۰۰ (۱ نوامبر ۲۰۲۱) مطرح شد.



kadivar.com

<https://kadivar.com/19190/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.